



گفت‌وگو با دکتر محمود امانی تهرانی و دکتر فریدون اکبری شلدیره

# منطق زبان آموزشی فارسی کاملاً بر اقتصاد و فرهنگ ایرانی منطبق است

حمیدنورشمسی

اشاره

نام‌گذاری ۱۳۹۳ با عنوان «سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، طلیعه‌نگاهی تازه به جریان فرهنگ‌سازی در کشور بر پایه‌ی نیازهای حقیقی در حوزه اقتصاد است. وزارت آموزش و پرورش نیز بر همین اساس و در برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود سعی دارد گامی در این راستا بردارد و نگاه فرهنگی به اقتصاد و نگاه جهادی به فرهنگ را نهادینه کند. گفت‌وگوی زیر با آقای دکتر محمود امانی تهرانی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه نظری و فریدون اکبری، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی آن دفتر نیز پیرامون موضوع شکل گرفته است که در ادامه می‌خوانید.

**باتوجه به نام‌گذاری سال جاری با عنوان «سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» از سوی مقام معظم رهبری، تبیین نسبت ارتباط این مسئله با آنچه در آموزش و پرورش در حال رخ دادن است، می‌تواند مدخل خوبی برای این گفت‌وگو باشد. برای همین از شما می‌خواهم نخست به تبیین این مسئله از نظر خودتان بپردازید.**

امانی تهرانی: ابتدا در باب ارتباط مسئله اقتصاد و فرهنگ باید چند نکته را در ذهن مرور کنیم. نخست اینکه هر نظام آموزشی با چشم‌اندازی نسبت به آینده کشورش، فعالیت خود را پیش می‌برد. ما

هم در ایران وقتی به آینده کشورمان نگاه می‌کنیم، مسئله اقتصاد را بسیار مهم و متفاوت با گذشته می‌بینیم و لذا طبیعی است که به فکر گرفتن تصمیماتی صحیح برای مواجهه با آن از هم‌اکنون باشیم. در سال‌های اخیر ما اقتصادی متکی بر نفت داشته‌ایم و در آن به‌طور متوسط روزانه تقریباً ۲۰۰ میلیون دلار پول نفت به‌طور مستقیم وارد کشور ما شده است.

اگر این پول وارد کشور نشود و بخواهیم به ازای آن کار کنیم تا درآمد داشته باشیم و اگر هر ساعت کار مولد ۲۰ سنت برای ما ثروت آورده به همراه داشته باشد، ما در هر روز باید یک میلیارد ساعت کار کنیم تا این پول وارد کشورمان شود. یک میلیارد ساعت یعنی با توجه به جمعیت شاغل ۳۰ تا ۳۵ میلیون نفره ایران، هر نفر باید روزی ۳۰ ساعت کار کند تا این درآمد محقق شود که امکان‌پذیر نیست. در این وضعیت یا باید مصرف‌مان را کم کنیم که هزینه‌مان کمتر شود و یا اینکه عدد ارزشمندی کارمان را از ۲۰ سنت به رقم ۲ دلار برسانیم تا تازه وضع فعلی ما تثبیت شود. این ارقام نشان می‌دهد که آینده اقتصادی ما بدون نفت مسئله مهمی است و باید نسل جوانمان را برای رویارویی با این مسئله قوی بار بیآوریم. این همان ورودی نسبت شعار امسال کشور با آموزش و پرورش است.

**این راهبرد در آموزش و پرورش چگونه خود را نشان می‌دهد؟**

امانی تهرانی: خوشبختانه در چند

سند راهبردی فعلی مورد استفاده آموزش و پرورش به این مسئله خیلی خوب توجه شده است. ما شش ساعت درسی اصلی داریم و یک ساعت اقتصادی و معیشتی. در برنامه درسی ملی هم یکی از حوزه‌های اصلی یادگیری حوزه کار و فناوری است. مسئله تربیت اقتصادی و معیشتی و حرفه‌ای کار بسیار بزرگی است که آموزش و پرورش باید انجام دهد و از قضا این کار بسیار هم فرهنگی است.

**بدنیست کمی جزئی‌تر توضیح دهید که در برنامه درسی ملی با چه نگاه و سازوکاری برای حضور موضوع اقتصاد و فرهنگ تدارک دیده شده است.**

امانی تهرانی: آنچه هست چیز کمی نیست. حجم توجه به مسائلی که به موضوع اقتصاد بازمی‌گردند. بسیار زیاد است. در حوزه‌های مختلف درسی به این مسئله توجه شده است. نه تنها در کتاب درسی بلکه از سال‌های قبل در آموزش و پرورش این مسئله مورد توجه بوده است. شما حتماً مستحضرد که آموزش و پرورش سال‌هاست درسی با عنوان «شناخت حرفه‌وفن» دارد و اکنون هم در پایه ششم درس «کار و فناوری» را داریم. در کنار آن، سایر موضوعات درسی به معرفی مشاغل و اهمیت آن‌ها و بالاتر از این، اهمیت کار کردن و نسبت آن با اقتصاد و توسعه و پیشرفت و مسئولیت‌های عمومی توجه خوبی شده است.

برای مثال، در کتاب‌های علوم می‌بینیم



## تعلیم و تربیت مادر دو قلمرو حرکت می‌کند؛ یکی سالم‌سازی تن و جسم و دیگری تربیت جان. ما اگر در آموزشمان به سراغ جسم برویم اقتصاد است که خود را به نمایش می‌گذارد و اگر به سراغ جان برویم، فرهنگ خود را به رخ می‌کشد

که به اقتضای موضوعات، مشاغل نیز مطرح می‌شوند. در واقع، نحوه ارتباط مشاغل با علوم و مهارت‌های لازم برای آن‌ها مورد توجه بوده است. اما اینکه در آینده قرار است چه بشود، باید بگوییم که در باب تربیت اقتصادی در حال تهیه یک ماکروپلان در حوزه کار و فناوری هستیم. در این برنامه درسی بخش مستقیمی وجود دارد که عاملش دروس مستقیمی هستند که از دوره ابتدایی شروع و در دوره دبیرستان به رشته‌های کار و دانش ختم می‌شوند. بخشی هم به صورت تلفیقی برای سایر حوزه‌های کار و فناوری طرح می‌شوند.

در این برنامه برای هر درس حتی درس دینی هم برنامه‌ریزی ویژه‌ای شده است. برای مثال، در بخش ادبیات می‌بینیم که مسئله اقتصادی بسیار مورد توجه قرار

گرفته است که اگر به صورت مجزا احصا می‌شد کتابی قطور از دلش بیرون می‌آمد. در کنار همه این‌ها به تبیین نسبت فرهنگ و اقتصاد در جامعه کنونی و پیش‌ها و تغییر جهت‌ها و زمینه‌های تازه‌ای که در این حوزه‌ها خود را نشان داده‌اند هم باید به طور جدی توجه شود. اتفاقی نیست که می‌بینیم در دنیا تبلیغات و مصرف به سمت و سویی مشخص در حال حرکت‌اند. حتی به باور من، این همه جوسازی‌های غرب در مورد مسئله حقوق بشر هم خالی از جهت‌گیری اقتصادی نیست و در این زمینه نیاز به کار فکری جدی داریم.

**کمی هم از منظر ادبیات به این مسئله نگاه کنیم. به اعتقاد شما از دریچه درس ادبیات فارسی و نگاه معطوف به آن در برنامه درسی ملی چطور می‌شود به مسئله فرهنگ و اقتصاد با عزم ملی و مدیریت جهادی نگاه کرد؟**

**امانی تهرانی:** من همیشه به موضوع زبان به مثابه تفکر نگاه می‌کنم. درست است که زبان در مبادی اولیه خود تفاوت‌هایی دارد اما غایت زبان‌آموزی، پرورش تفکر است و این مسئله در نگاه‌های شناخت‌گرا در حال توجه جدی است. موضوع اقتصاد و فرهنگ کاملاً به زبان‌آموزی ما مرتبط‌اند و زنگ زبان و ادب فارسی فرصتی فراهم می‌کند که بچه‌ها در موقعیت تفکر در این زمینه قرار گیرند. سخن گفتن از دریچه ادبیات درباره این موضوعات امری ابتدایی است اما ایجاد فرصتی برای رساندن بچه‌ها به سطوح بالاتر موضوعی است که باید در این درس زمینه‌های آن را فراهم کرد.

**اکبری:** در شعار امسال دو کلیدواژه آمده است که در برنامه‌های تعلیم و تربیت ما نیز دو وجه پیدا می‌کند. تعلیم و تربیت ما در دو قلمرو حرکت می‌کند؛ یکی سالم‌سازی تن و جسم و دیگری تربیت جان. ما اگر در آموزشمان به سراغ جسم برویم اقتصاد است که خود را به نمایش می‌گذارد و اگر به سراغ جان برویم، فرهنگ خود را به رخ می‌کشد و همین است که ما را به سمت سرچشمه‌های زیبا و گوارایمان هدایت

می‌کند. آن‌ها منشورگونه‌اند و از هر زاویه که نگاهشان کنیم، برای امروز ما حرف تازه‌ای برای گفتن دارند.

من از نهج البلاغه برداشتی داشتم. حضرت خطاب به اصحاب خود می‌فرماید: خداوند نخست یک رسول هادی برای ما فرستاد و پس از آن کتاب، که همان قرآن است، و بعد امر غائب و در پایان می‌فرماید که حقی برگردن ما در مقابل آن‌هاست که چیزی جز به کار بردن تعالیم رسول و قرآن و سنت نیست. این یعنی سرچشمه گرفتن تعلیم و تربیت ما از سنن.

همه‌رگه‌های ما در فرهنگ برگرفته از این سرچشمه هستند. ما در آن غزل معروف مولانا با مطلع «بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست» می‌توانیم به خوبی این را ببینیم. از سوی دیگر، مقام معظم رهبری به عنوان طراح این شعار به فرایندهای جهانی تسلط کافی دارند و به نظرم شعار امسال طرح شده از سوی ایشان هم ناشی از همین مسئله است. به اعتقاد من سلاح غرب در مقابل ما چیزی جز اقتصاد در فضای جهانی شدن نیست. با این پتک اگر بخواهند بر سر ما بکوبند، ما باید پرچم فرهنگمان را بلند کنیم و اقتصاد را به زیر آن بیاوریم. نباید موضوعی مانند جهانی‌سازی را که می‌خواهند ملت‌ها را با ظواهر اقتصادی و مادی تحت لوای آن به زیر سلطه خود درآورند، بپذیریم. نباید زرق و برق اقتصاد غربی چشممان را بگیرد. مدیریت عناصر فرهنگی خودمان می‌تواند در این نزاع به کار ما آید. در واقع، تنها فرهنگ ماست که می‌تواند این نیرنگ را بی‌رنگ کند.

درس ادبیات در برنامه درسی ما بر این مبنا تلاش دارد داشته‌های فرهنگی ما را به نسل جوانمان نشان دهد. **گیدنز**، که از جامعه‌شناسان بزرگ غربی است، می‌گوید: «دروپی که می‌توان در مقابل تهاجم غرب از آن بهره برد، رجعت به «خود» و کشف آن است». این حرف چیز تازه‌ای نیست بلکه متعلق به خود ما و فرهنگ ماست. بازاندیشی و یافتن هویت چیز تازه‌ای نیست و در فرهنگ ما به آن بسیار توجه شده است.



## مسئله تربیت اقتصادی و معیشتی و حرفه‌ای کار بسیار بزرگی است که آموزش و پرورش باید انجام دهد و از قضا این کار بسیار هم فرهنگی است

رفته‌ایم تا کار. کسب فقط درآمد تولید می‌کند اما کار مولد و مبنای تولید است و از قضا مبنای کسب هم هست. کشور ما کشوری است که اگر سرمایه‌اش را در تولید بیندازد، کارهای بسیاری می‌تواند انجام دهد اما متأسفانه، مبنای زندگی همه ما کسب شده است. و کار به جایی رسیده که آنچه در حوزه حرکت اقتصادی صحیح باید در ذهن کودکانمان بارگذاری شود، هنوز پاسخی ندارد. ما قبل از اینکه در درسمان بگوییم مالیات مهم است، باید کودکانمان را با مفهوم ثروت ملی آشنا کنیم. باید کودکانمان به هر چه برخلاف این مفاهیم است، حس منفی پیدا کند. آن‌گاه می‌شود به دنبال تأثیرگذاری بود. به نظرم همه جامعه باید هوشیار شوند. منبرها را باید نسبت به این موضوع حساس کرد. کم نیستند موضوعاتی که ما درباره آن‌ها کار فرهنگی کرده‌ایم و نتیجه گرفته‌ایم. پس باید به این سمت برویم.

که می‌شود سبک زندگی ساخت. یعنی شیوه‌ای خلق کرد که براساس آن ساده‌تر زندگی کرد و مخارج بیش از حد و غیر ضرور را از زندگی حذف نمود. سبک زندگی و شکل آن تأثیرگذارترین موضوعی است که قابلیت طرح در همه بخش‌های کشور را پیدا کرده است. هم‌اکنون هم به اقتصاد و فرهنگ برنمی‌گردد؛ مسائلی مثل خشونت، حق‌الناس، ورود بی‌جای تعارف به مناسبات روزمره و... من فهرستی ۱۲ عنوانی فراهم کرده‌ام که در کتاب‌های درسی مان به آن‌ها بپردازیم و سبک تازه‌ای از زیست را به ذهن آموزانمان وارد کنیم. سبک زندگی می‌تواند نگرشی تازه به موضوع اقتصاد را در اختیار کودکان و نوجوانان ما قرار دهد. شما الان در مدارس به سر و وضع و حتی مدل موی بچه‌ها نگاه کنید. همین مسئله ساده سبک زندگی رایج را در روزگار ما به نمایش می‌گذارد. فقط هم همین نیست؛ لباس و کفش و... هم همین‌طورند. سبک فعلی زندگی مان ما را به نقطه سر به سر تولید و مصرف رسانده است. ما بیشتر از هر چیز مصرف‌کننده شده‌ایم و در حوزه کار هم بیشتر به سراغ کسب

وقتی بحث فرهنگ مطرح می‌شود، نمی‌توان موضوع سبک زندگی را نادیده گرفت. حال سؤال این است که موضوع سبک زندگی صحیح تا چه اندازه در کتاب‌های درسی ما، به‌ویژه در کتاب‌های درسی ادبیات، مطرح شده و موضوعات مطرح شده تا چه اندازه کاربردی هستند.

**اکبری:** خواجه‌نصیر در «اخلاق ناصری» عنوان می‌کند که دو چیز رمز حکمت و زندگی درست است: دانستن چیزها چنان که باشد و قیام به کارها چنان که باید.

در برنامه‌ریزی محتوایی درسی، ما از متونی استفاده می‌کنیم که هدف اصلی ارائه آن‌ها آگاهی بخشی نسبت به زندگی است. اکنون در کتاب درسی فصلی با عنوان «اخلاق و زندگی» داریم که موضوع سبک زندگی است و با آن، هم چشمی به گذشته و داشته‌هایمان داریم و هم به آینده و آنچه باید به آن دست پیدا کنیم.

زمینه برنامه درسی ادبیات فارسی این موضوعات است که باید بذرشان را در ذهن و زبان کودکانمان بپاشیم.

**امانی تهرانی:** من سبک زندگی را محل تجلی چیزهای زیادی می‌دانم و از جمله معتقدم که محل تلاقی اقتصاد و فرهنگ، سبک زندگی ماست. ما آداب و رسوم و سنت‌هایی را در جامعه رایج می‌بینیم که سبک زندگی ما را می‌سازند؛ چه آیین‌های شادمانی‌مان و چه آیین‌های عزاداری.

هر یک از این اعمال را می‌شود با این موضوع که با حکمت همراه است یا نیست، سنجید و مورد مذاقه قرار داد. برای مثال، ما در سنت‌های خودمان داریم که وقتی کسی فوت می‌کند، تا مدت‌ها نباید در خانه‌اش غذایی پخته شود اما در ایران امروز دقیقاً برعکس است. در چنین مواردی نقش فرهنگ‌سازی معلمان و آموزش و پرورش خیلی تأثیرگذار است.

جالب است بدانید که عربستان در ظهور اسلامی یکی از بزرگ‌ترین منابع چنین رسوم غلطی بود؛ رسومی مانند پیگیری بی‌دلیل خون‌های ریخته شده در زمین یا زنده به گور کردن.

با اقتصاد و فرهنگ و تلفیق آن‌هاست